

سنجاق‌های میله‌ای لرستان*

علیرضا هژبری نوبری^{۱*}، موسی سبزی دوآبی^۲

(تاریخ دریافت ۸۹/۱۲/۱۷، تاریخ پذیرش ۹۰/۶/۲۰)

چکیده

در مطالعات پژوهشگران، سنجاق‌های لرستان به صورت بخشی از اشیاء مفرغی لرستان و گاه هم به طور کلی مطالعه شده‌اند؛ اما این دسته از اشیاء لرستان که دارای گونه‌های متنوع، روش‌های ساخت مختلف و کارکردهای متفاوتی بوده‌اند، تا به حال کمتر بررسی شده و به صورت تخصصی به آن‌ها پرداخته نشده است. از دست‌ساخته‌های اقوام ساکن در این منطقه، اشیاء فلزی است. یکی از گونه‌های مهم اشیاء فلزی کشف‌شده در لرستان، سنجاق‌های فلزی است. در ساخت این سنجاق‌ها از انواع مختلف فلز مانند آهن، نقره و فلزات آلیاژی نظیر برنز و حتی گاه به صورت ترکیبی استفاده شده است. از لحاظ تاریخی، این اشیاء به هزاره دوم و اول ق. م مربوط هستند. نوشته پیش‌رو سعی دارد به مطالعه، توصیف، تحلیل، مقایسه و معرفی این سنجاق‌ها از لحاظ روش‌های ساخت، نقش‌ها، جنس، کاربرد، تاریخ‌گذاری و... بپردازد.

واژه‌های کلیدی: لرستان، عصر آهن، سنجاق، میله‌ای.

*hejebri@modares.ac.ir

1. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

2. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، مدرس دانشگاه آزاد ورامین

مقدمه

آثار به‌دست‌آمده از گورهای لرستان از جمله مفرغ‌های لرستان، انگیزه بیشتر کاوش‌های گروه‌های باستان‌شناسی بوده است. از این میان می‌توان به هیئت انگلیسی اورال استین^۲ (1940) و هیئت آمریکایی به سرپرستی اریخ اشمیت با عنوان هیئت هولمز اشاره کرد (Schmidt et al., 1989). تنها هیئتی که با هدف کشف منشأ تمدن و فرهنگ لرستان کاوش‌های باستان‌شناسی را آغاز کرد، هیئت بلژیکی به سرپرستی وان‌دینبرگ (۱۳۷۹) بود. به‌دنبال کاوش‌های باستان‌شناسی که از سال‌های ۱۹۶۵م به‌طور مستمر در لرستان انجام شده، آثار و اشیاء زیادی کشف شده است. البته، نباید از نظر دور داشت که کشف اولیه مفرغ‌های لرستان کاملاً تصادفی بود؛ اما چون روی این اشیاء هنری تصاویر حیوانات به‌گونه‌ای طبیعی، جالب و سحرانگیز منقوش شده بود، به‌سرعت در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی راه یافتند. اغلب این صنایع در مجموعه‌ها و موزه‌های خصوصی سراسر جهان به‌فراوانی یافت می‌شوند (کورتیس، ۱۳۸۷: ۵۱).

یکی از جالب‌ترین و در عین حال متنوع‌ترین اشیاء فلزی ساخته‌شده در این منطقه، سنجاق‌های فلزی است. سنجاق‌ها از اشیائی هستند که در تمام مجموعه‌های برنزی لرستان یافت می‌شوند (همان، ۵۵). این اشیاء مانند دیگر اشیاء باستانی، از جنبه‌های مختلف از هنر اقوام پیرامون تأثیر پذیرفته‌اند. ساخت آن‌ها از هزاره سوم شروع شده و تا قرن‌ها نیز ادامه داشته است. بیشتر این اشیاء دارای شکل‌ها و نقش‌مایه‌های متفاوتی بوده و از قبرها و تعدادی نیز از مکان‌های مذهبی مثل معابد کشف شده که توسط هنرمندان بومی ساخته شده‌اند.

در میان اشیاء متنوع مفرغی لرستان، به سنجاق‌های فلزی- با وجود تنوع و تعدد- کمتر پرداخته شده است. این سنجاق‌ها به چهار دسته با چهار کاربرد مختلف تقسیم می‌شوند. در این مقاله، گروهی از سنجاق‌هایی که به میله‌ای معروف‌اند، مطالعه شده است. سنجاق‌های میله‌ای بخشی از سنجاق‌های موردبررسی بودند که در بهار و تابستان ۸۸ توسط نگارندگان مورد مطالعه قرار گرفتند. سنجاق‌های میله‌ای یکی از متنوع‌ترین گروه سنجاق‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. این گروه از بین تمام سنجاق‌های میله‌ای موجود در موزه ملی و از بین

سنجاق‌های میله‌ای لرستان _____ علیرضا هژبری نوبری و همکار

نمونه‌های مشابه انتخاب شده‌اند. تعدادی از آن‌ها در سالن موزه و تعدادی دیگر در انبار موزه ملی نگهداری می‌شوند. پراکندگی کشف این دسته از سنجاق‌ها اغلب مربوط به غرب، شمال و شمال‌غرب استان لرستان است.

موقعیت جغرافیایی

استان لرستان در منطقه پیشکوه با مساحتی بالغ بر ۲۸/۵۹۹ کیلومتر مربع در غرب ایران و در بخش کوهستانی سلسله‌جبال زاگرس قرار دارد و حدود ۱/۸ درصد از کل سطح کشور را شامل می‌شود. بین ۴۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۲ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته است (شکل ۱) (معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی استان لرستان، ۱۳۷۳: ۹). از نظر جغرافیای طبیعی و فرهنگی، لرستان به دو منطقه پشتکوه و پیشکوه تقسیم می‌شود. کبیرکوه با جهت شمال‌غرب- جنوب‌شرق یکی از ارتفاعات زاگرس مرکزی است. غرب این رشته‌کوه پشتکوه (ایلام امروزی) و شرق آن پیشکوه (لرستان امروزی) خوانده می‌شود.

شواهد باستان‌شناسی گویای آن است که دست‌کم از دوره پالئولیتیک میانه، منطقه لرستان محل سکونت بوده است (هول، ۱۳۵۲: ۱۶). از سوی دیگر، شواهد تاریخی بیانگر این است که منطقه زاگرس از هزاره سوم تا اول ق. م، محل تاخت‌وتاز اقوام بسیاری بوده است. از هزاره سوم ق. م، در شمال منطقه اقوام گوتی و لولوبی می‌زیسته‌اند و از نیمه هزاره دوم ق. م هم جوامع ساکن این کوهستان‌ها را کاسی‌ها تشکیل داده‌اند. در نیمه اول هزاره اول ق. م، بیشترین بخش این منطقه را ابتدا الپیی‌ها و سپس نوریسیدگان مادی اشغال کردند (شکل ۲).

پیشینه پژوهش

مفرغ‌های لرستان آثاری هستند که از زمان کشف، مورد بررسی و کاوش باستان‌شناسان و نظریه‌پردازان هنری قرار گرفته‌اند. سابقه بررسی درباره آثار مفرغی لرستان را می‌توان در اغلب نوشته‌های مربوط به هنر پیش از تاریخ ایران مشاهده کرد.

در سال ۱۳۰۷ش یک نفر از اهالی بومی (خواه نورآباد) هنگام کشاورزی در مزرعه، با قبیری روبه‌رو شد که تعدادی اشیاء مفرغی - که بعدها به مفرغ‌های لرستان معروف شد- در آن وجود داشت. کشف این قبر- که نخستین گورستان مکشوف در لرستان بود- حفر سریع گورهای بسیار دیگری را در منطقه به‌دست اهالی به دنبال داشت (مجیدزاده، ۱۳۶۷: ۱). پس از آن، برای دسترسی به گنجینه این مفرغ‌ها، حفاری در سراسر لرستان رایج شد. نخستین باستان‌شناسی که قدم به خاک لرستان گذاشت، ژاک دموورگان بود. او طی سال‌های ۱۸۹۱-۱۹۰۲م در چند نقطه کاوش‌هایی انجام داد. در سال ۱۹۲۸م هم برای اولین بار، کاوش‌های علمی در لرستان شرقی به‌وسیله هر تسفلد صورت گرفت. چند سال بعد، ژرژ کتینو و گیرشمن طی سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۳م، کاوش‌هایی را در تپه گیان، جمشیدی و بدهوره انجام دادند (Contenau & Ghirshman, 1935). در سال ۱۳۱۶ش / ۱۹۳۸م نیز طی سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۵ و ۱۹۳۷-۱۹۳۸م، اریخ اشمیت و هیئت همراه او با عنوان هیئت هولمز حفاریات علمی را در منطقه لرستان به عهده گرفتند (نوروززاده چگینی، ۱۳۷۲: ۹۷-۱۱۴). عطش دست یافتن به نوع خاصی از قبر که مفرغ لرستان را در خود داشته باشد، سرانجام موجب شد هیئت اشمیت پس از کاوش در گورستان‌ها و تپه‌های متعدد، در سال ۱۳۱۷ معبد سرخ‌دم در جلگه کوه‌دشت را کشف کنند. در این معبد سنجاق‌های متنوعی به‌دست آمد (Schmidt et al., 1989).

در سال ۱۳۴۳ برای نخستین بار توجه پژوهشگران به گونه‌شناسی مفرغ‌ها جلب شد. آن‌ها به‌جای توجه به مفرغ‌های لرستان در قالب یک مجموعه، به مطالعه گونه‌های آن پرداختند. در این میان می‌توان از ادیت پرادا نام برد. او گونه‌ای از مفرغ‌ها را که در اصطلاح «علم» نامیده می‌شد، مطالعه و تاریخ‌گذاری کرد (Porada, 1964: 20-21). پس از پرادا، دایسون چارچوبی برای تاریخ‌گذاری خنجرهای دولبه پیشنهاد کرد (Dyson, 1964: 32-43). شایفر قدیمی‌ترین نوع شناخته‌شده از این خنجرها را- که برای نخستین بار در سوریه به‌کار برده شده بود- تقریباً به نیمه نخست قرن چهاردهم ق. م منسوب کرد (Schefer, 1948: 48). در سال ۱۳۶۷ نیز مجیدزاده مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌گذاری سرسنجاق‌های مفرغی لرستان» را به چاپ رساند. این مقاله نخستین مطلبی است که به‌صورت تخصصی در مورد تاریخ‌گذاری سنجاق‌ها نوشته شده است.

نظریه‌های مطرح‌شده درباره منشأ مفرغ‌های لرستان

اغلب نظریات معتبری که در مورد مفرغ‌های لرستان بیان شده، بر پایه حفاری‌هایی است که در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۵۵ صورت گرفته است. مهم‌ترین دلیل ناشناخته ماندن این اشیاء، نبود منابع مکتوب است. پس از گذشت سال‌ها از کشف مفرغ‌های لرستان، منشأ این مفرغ‌ها همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. بزرگ‌ترین باستان‌شناسان دنیا هر یک با تکیه بر دلایلی، تولید این اشیاء را به قوم یا اقوامی مربوط می‌دانند. در مجموع، نظریه‌های مطرح‌شده درباره منشأ مفرغ‌های لرستان را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

۱. فرضیه انتساب مفرغ‌ها به کاسی‌ها: این فرضیه را آندره گدار (۱۳۷۷: ۸۲-۸۳) مطرح کرده است.
 ۲. فرضیه انتساب مفرغ‌ها به سکاها: به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل باستان‌شناسان برای انتساب مفرغ‌های لرستان به سکاها، وجود اشتراک سبک جانورپردازی میان مفرغ‌ها و آثار فلزی سکاهاست (دادور و مصباح اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).
 ۳. انتساب ساخت مفرغ‌ها به هنرمندان بومی ایران با پذیرش فرض تأثیر و تأثر اقوام همسایه: این فرضیه را نخستین بار هرتسفلد^۳ (1976: 154-174) مطرح کرده است.
 ۴. نظریه ایدت پرادا و پتر کالمایر مینی بر ریشه‌یابی منشأ مفرغ‌ها بر اساس دسته‌بندی‌های دقیق‌تر و کوچک‌تر مفرغ‌ها (کالمایر، ۱۳۷۶: ۴۶-۱۰۲).
- اما مسلم است که بهترین نمونه‌های مفرغ‌های لرستان که اکثریت آن‌ها را نیز تشکیل می‌دهد، در قرن‌های هفتم و هشتم ق. م و در خود لرستان فعلی و کرمانشاه ساخته شده‌اند. مفرغ‌های لرستان حاصل ابتکارات محلی بوده که در حاشیه تمدنی به‌وجود آمده است. مهارت در ساخت این مفرغ‌ها، تا به امروز آن‌ها را از گزند و آسیب درامان نگه داشته است (علایی، ۱۳۷۵: ۱۴-۱۵).

سنجاق‌های لرستان

بشر با دست‌یابی به فلز و فن ذوب آن، از این ماده گرانبها در ساخت انواع سلاح‌ها و ابزارهای کشاورزی، وسایل تزئینی و زینتی و... استفاده کرد و از همان ابتدا، فلز مس را برای ساخت زیورآلات گوناگون از جمله ساخت سنجاق به‌کار برد. سنجاق‌های فلزی از اشیاء تزئینی به‌شمار می‌روند. برخی محققان هم این سنجاق‌ها را در شمار اشیاء تشریفاتی و نذری می‌دانند (واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۹۱). از لحاظ شکل ظاهری می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. سنجاق‌هایی که در اصطلاح انگلیسی *pin* نامیده می‌شوند و از دو قسمت تشکیل شده‌اند. قسمت اول سرسنجاق است که با نقش‌های مختلف هندسی، گیاهی، حیوانی، انسانی و اسطوره‌ای تزئین شده است و قسمت دوم شامل میله عمودی است (هژبری نویری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۸).
۲. سنجاق‌های قفلی که در اصطلاح انگلیسی *fibula* نام دارند. این نوع سنجاق‌ها از قرن هشتم ق. م رایج شدند و پیش از آن دیده نمی‌شوند (موری، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

انواع سنجاق‌ها

موری در کتاب *زیرخاکی‌های مفرغی قدیم ایران*، سنجاق‌های لرستان را بر اساس شکل ظاهری، به سه گروه تقسیم کرده است: ۱. سرسنجاق‌هایی که با شکل‌های هندسی ساخته شده‌اند (دایره‌ای شکل، قبه‌دار، مخروطی و همچنین به شکل گل با طرح‌های جانوران اساطیری). ۲. سرسنجاق‌های مفرغی ممتاز که معمولاً میله آهنی دارند با تصاویر جانوران و نیمه‌انسان که در قاب‌های هلالی و مربعی شکل گذارده شده‌اند. این نمونه سنجاق‌ها بیشتر مربوط به قرن هفتم و هشتم ق. م هستند. ۳. سنجاق‌های سرپهن مدور که از ورقه فلزی و یا مس ساخته و برجسته‌کاری شده‌اند و مربوط به عصر آهن دو هستند (۱۳۷۹: ۱۰۶-۱۰۷).

اما بر اساس تقسیم‌بندی دقیق‌تر دیگری، سنجاق‌های لرستان به چهار گروه تقسیم می‌شود: ۱. سنجاق‌هایی با سر پهن مدور؛ ۲. سنجاق‌هایی با سر چهارضلعی؛ ۳. سنجاق‌هایی با سر مشبک؛ ۴. سنجاق‌های ساده که به شکل میله‌ای هستند. سر این‌گونه از سنجاق‌ها به شکل‌های مختلفی مانند نقش‌های هندسی، گیاهی، حیوانی، اسطوره‌ای و یا ساده مزین شده‌اند (شکل ۳). به‌طور متوسط،

سنجاق‌های میله‌ای لرستان _____ علیرضا هژبری نوبری و همکار

میانگین طول این دسته از سنجاق‌های مورد مطالعه بین ۱۰/۳ تا ۲۹ سانتی‌متر و وزن آن‌ها نیز از ۱۲ تا ۱۱۱ گرم متغیر است. این گروه، متنوع‌ترین گونه سنجاق‌ها را تشکیل می‌دهند.

روش‌های ساخت و تزئین سنجاق‌ها

موری در مورد ساخت اشیاء مفرغی لرستان معتقد است اشیاء فلزی را از طریق چکش‌کاری ورقه فلزی و سرد کردن تدریجی آن می‌ساختند. اگر فلز به‌علت چکش‌کاری زیاد ترد و شکننده می‌شد، با حرارت دوباره آن را نرم و بادوام می‌کردند. برای ساختن ظروف هم با استفاده از ورقه‌های ریختگی بزرگ مس و مفرغ، آن‌ها را با عمل چکش‌کاری از بیرون بر روی یک سندان برجسته‌کاری می‌کردند یا آن را از داخل بر روی یک کنده چوب که فرورفته بود، گود می‌کردند. برای تزئینات و ترسیم نقش‌های بخش داخلی و خارجی ظروف هم از افزار مفرغی استفاده می‌کردند (همان، ۲۴). هر تسفلد نیز اشاره می‌کند:

برنزه‌های لرستان به‌وسیله ریخته‌گری در قالب تولید شده‌اند؛ شیوه‌ای که در آن هر شکل و فرمی باید دوباره پرداخت‌کاری شود... تمام این نمونه‌ها بدون هیچ شکی نشان می‌دهند که برنزه‌های لرستان، شیوه‌های به‌کاررفته در هنر حکاکی و قلم‌زنی مهرهای کرکوک را دنبال می‌کنند؛ با این تفاوت که در هنر حکاکی تمام جزئیات از اهمیت زیادی برخوردارند؛ اما در هنر ریخته‌گری چنین نیست... (1976: 154-174).

آزمایش دقیق بر روی سنجاق‌ها نیز نشان می‌دهد برای ایجاد نقش از دو شیوه خطی و قالبی و در برخی موارد هم از تزئینات جواهرنشان استفاده می‌کردند (مجیدزاده، ۱۳۶۷: ۵). با توجه به آنچه گفته شد، روش اساسی در تولید این اشیاء، ریخته‌گری در کنار قالب‌گیری و چکش‌کاری بود و برای ایجاد نقش بر روی سنجاق‌ها نیز از شیوه خطی استفاده می‌شد.

طبقه‌بندی و مطالعه نقش‌های موجود روی سنجاق‌ها

نقش‌ها اغلب در قسمت ابتدایی این سنجاق‌ها دیده می‌شوند و شامل نقش‌های گیاهی (مانند خشخاش، انار و...)، حیوانی (بز، قوچ، گاو، گرگ، اردک، گوزن، پرنده و...)، اسطوره‌ای (حیواناتی به شکل گوزن بالدار، شیر بالدار و...)، ساده (کروی‌شکل، حلزونی و شاخه‌های

منحنی شکل و...) هستند (شکل ۴). در برخی موارد، این نقش‌ها متفاوت با نقش‌هایی هستند که در طبیعت یافت می‌شوند و به صورت رمزی و اغراق‌آمیزی نقش شده‌اند که ممکن است بیانگر اعتقادات سازندگان و استفاده‌کنندگان آنها باشد. حال با توجه به این گروه‌بندی، در ادامه گونه‌های مهم را شرح می‌دهیم:

نقش‌های جانوری: نقش‌های جانوری بر روی سنجاق‌های مورد مطالعه به نسبت متنوع است. کاربرد این نقش‌ها ممکن است به دلیل علاقه سازندگان این اشیاء و استفاده‌کنندگان آنها باشد؛ یا حتی ممکن است به سبب نگهداری از این جانوران باشد. امروزه، بسیاری از این جانوران در لرستان فعلی اهلی هستند و تعدادی دیگر از آنها در کوه‌های لرستان به صورت وحشی زندگی می‌کنند. دلایل این تنوع جانوری می‌تواند نشانه‌ای از قدرت، شوق، ترس و یا بهت و حیرت باشد. یکی از نقش‌های جانوری روی سنجاق‌ها، نقش بز است. نقش بز از نقش‌های محبوب و رایج در بین مردمان خاورمیانه، میتانی، آشور میانی و سوری‌ها در قرن‌های یازده تا چهارده ق. م بوده است (مجیدزاده، ۱۳۶۷: ۱۰). از دیگر نقش‌های جانوری روی سنجاق‌ها، نقش شیر است. این نقش از نقش‌های پرکاربرد روی اشیاء و مورد علاقه بسیاری از مردمان باستان بوده است. در ایران، نقش شیر نشانه سلطنت، قدرت، روشنایی، خورشید، داوری و... بوده است (Cooper, 1968: 98-99).

نقش‌های اساطیری: این جانوران معمولاً به صورت بالدار نقش شده‌اند و اغلب شامل حیواناتی مانند بز بالدار، گوزن، شیر و... هستند. نقش این جانوران حداکثر مربوط به قرن‌های دوازده و سیزده ق. م و دوره کاسی، بابلی و آشور میانی است. در این دوران، صنعتگران لرستانی نیز این نقش‌ها را بر روی سنجاق‌ها به کار برده‌اند و احتمالاً این‌گونه نقش‌ها را از سرزمین‌های دیگری چون ایلام و یا دیگر سرزمین‌های نام‌برده تقلید کرده‌اند (مجیدزاده، ۱۳۶۷: ۱۱). به طور کلی، جانوران خیالی و موهومی که بر روی آثار لرستان نقش بسته‌اند، از هنر سومری و بابلی سرچشمه گرفته‌اند (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۱۴).

نقش‌های گیاهی: نقش‌های گیاهی موجود بر سنجاق‌های مورد مطالعه معمولاً به حالت‌های مختلفی دیده می‌شوند. یکی از نقش‌های گیاهی، نقش درخت انار است. همان‌طوری که می‌دانیم در

دوران باستان، درخت انار در شمار درختان مقدس بوده و چون دارای برگ‌های سبز و غنچه‌های زیبا بوده است، زنان و کودکان نیز نقش آن را روی سینه می‌گذاشتند (فروه‌وشی، ۱۳۵۵: ۶۵). مشابه این نقش‌ها بر روی اشیاء مارلیک و حسنلوی چهار و... هم دیده می‌شود (Ayazi, 2008: 36). از سوی دیگر، انار میوه بومی ایرانی است و شکل آن از دوره کاسیت‌ها به بعد، در بابل و آشور یکی از رایج‌ترین طرح‌های تزیینی با گیاه بوده است (بیرانوندی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

جنس سنجاق‌ها و کاربرد آن‌ها

بیشتر سنجاق‌های کشف‌شده از حفاری‌های باستان‌شناسی در لرستان و یا منسوب به منطقه، از جنس مفرغ است. در موارد نادری نیز به صورت ترکیبی از آهن و گاه استخوان و یا کاملاً از آهن ساخته شده‌اند. البته، سنجاق‌هایی از جنس مس و نقره نیز که بیشتر از قاچاقچیان اموال فرهنگی مصادره شده، به دست آمده است؛ ولی این اشیاء کمتر گزارش شده و نیز نمی‌توان اصالت و نسبت آن‌ها را به منطقه تأیید کرد.

در گذشته، این سنجاق‌ها کاربردهای مختلفی داشته است؛ اما امروزه چهار نوع کاربرد برای این سنجاق‌ها می‌توان در نظر گرفت:

۱. رایج‌ترین نظر در مورد این سنجاق‌ها، کاربرد آن‌ها به عنوان زینت موی سر است. شاید این طرز فکر از آنجا مایه گرفته باشد که در طی حفاری‌های صورت‌گرفته، تعدادی از این سنجاق‌ها در کنار مجموعه اجساد یافت شده است (حیدری و صفری، ۱۳۸۸: ۸) (شکل ۵).

۲. کاربرد دیگری که برای سنجاق‌های میله‌ای بیان شده، استفاده از آن‌ها برای نصب روی لباس است؛ به این صورت که یک جفت سنجاق را بر روی سینه می‌بستند و نوک آن را پس از عبور از لای لباس، روی شانه‌ها و در نزدیک چهره قرار می‌دادند (همان‌جا) (شکل ۶).

۳. سومین کاربرد این سنجاق‌ها این است که از آن‌ها به عنوان اشیاء نذری استفاده می‌کردند. البته در مورد کارکرد این سنجاق‌ها از لحاظ آیینی و مذهبی می‌توان گفت مثل

دخیل بستن امروزی است که مردم آن زمان برای برآوردن حاجت‌های خود، آن‌ها را به‌عنوان نذر به خدایان تقدیم می‌کردند (هژبری نوبری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۹).
۴. بر اساس مشاهدات شخصی نگارنده، در استان لرستان در برخی از روستاها و عشایر کنونی منطقه، از نمونه‌های چوبی این سنجاها برای بافتن گلیم و جاجیم استفاده می‌شود. به نظر نگارنده، شاید چهارمین کاربرد این سنجاها در بافتن فرش و یا پارچه بوده است.

مقایسه سنجا‌های لرستان با مناطق داخل ایران

بیشتر سنجا‌های لرستان از جنس مفرغ و گاه آهن ساخته شده‌اند؛ درحالی که در مناطق دیگر مانند شمال و شمال‌غرب، سنجا‌های نقره‌ای، طلایی و در مواری نیز سنجا‌هایی از جنس استخوان مشاهده شده است. نمونه‌های مسی و آهنی که احتمالاً به دلایل گوناگون از بین رفته‌اند، در آنجا کمتر دیده شده و به همین دلیل، تعداد خیلی کمی از آن‌ها باقی مانده است.

آثار مشابه این گونه از سنجا‌های لرستان در اکثر مناطق ایران امروزی (شمال، غرب، شمال‌غرب و مرکز) به شکل‌های مشابه و گاه با اندکی تفاوت ساخته شده‌اند (یداللهی، ۱۳۷۶: ۱۳۶-۱۳۷). نمونه‌های مشابه این سنجاها در بسیاری از محوطه‌های باستانی در ایران مانند سیلک (Ghrishman, 1939)، هفتوان‌تپه (Burney, 1972)، دینخواه‌تپه (Muscarella, 1974)، کردلرتپه (Lippert, 1979)، حسنلو (Dyson, 1989)، قبرستان مارلیک (نگهبان، ۱۳۵۶)، کلورز (خلعتبری، ۱۳۷۱)، مسجدکبود (هژبری نوبری، ۱۳۷۹) و بسیاری دیگر از محوطه‌های باستانی یافت شده‌اند (ن. ک شکل ۷-۱۲).

تنوع سنجا‌های میله‌ای به‌دست‌آمده در لرستان بسیار زیاد است؛ اما در مناطق دیگر، تنوع سنجا‌های میله‌ای کشف‌شده کمتر است و سنجا‌قفل‌ها بیشترین تعداد را دارند. علاوه‌بر این، در لرستان این سنجاها از قبرها و تعدادی نیز از مکان‌های مذهبی (مانند نیایشگاه سرخ‌دم) به‌دست‌آمده است (کورتیس، ۱۳۸۷: ۵۸)؛ ولی در دیگر مناطق اغلب از قبرها کشف شده است. از سوی دیگر، برخلاف دیگر مناطق، سنجا‌های لرستان به‌صورت انبوه کشف

می‌شوند؛ درحالی که در مناطق دیگر به صورت تکی یافت می‌شوند. این سنجاق‌ها در همه مناطق دارای کاربرد یکسانی بوده‌اند. هرچند نمونه سنجاق‌های کشف‌شده از مناطق دیگر در مقایسه با لرستان کمترند، شباهت‌های زیادی با هم دارند که به‌طور قطع، تأثیر فرهنگی مشترک را نشان می‌دهد.

مقایسه سنجاق‌های لرستان با مناطق خارج از ایران

حوزه زاگرس مرکزی و به‌ویژه استان لرستان به دلیل داشتن شاخص‌های بومی و محلی، همواره با حوزه‌های فرهنگی همجوار ارتباط داشته است. این منطقه با وجود صعب‌العبوری و محصور بودن در کوه‌های زاگرس، تاحدودی ارتباط خود را با نقاط مختلف مانند ایلام، بین‌النهرین، قفقاز و... حفظ کرده است. به‌طور کلی، نقش‌ها و ساخت سنجاق‌ها نیز مانند سایر ابزارهای مفرغی لرستان، از هنر اقوام مجاور تأثیراتی پذیرفته است. بر اساس گفته گیرشمن، از نظر نقش و جنس فلز، بسیاری از سنجاق‌های میله‌ای با سنجاق‌های یونانی قابل مقایسه است (۱۳۸۱: ۷۵). نقش‌های برخی از سرسنجاق‌ها نیز متأثر از اشکال هنر ایلامی است (پرادا، ۱۳۸۳: ۱۱۱). برخی از سنجاق‌ها نیز دارای منشأ قفقازی هستند و این نشان می‌دهد هنر لرستان در طرز ساخت و استفاده از نقش‌ها، از هنر هیتی‌های وسطی تأثیر پذیرفته است (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۴۱۵). برای مثال، در اورارتو، سوریه، عراق و ایران بسیاری از سرسنجاق‌ها با نقش حیوان واقعی و یا اسطوره‌ای ساخته می‌شده که شاید در مواردی، از آن‌ها برای دفع ارواح خبیث استفاده می‌شده است. سنجاق‌های با سر شیر و پرنده که از لرستان کشف شده‌اند، قابل مقایسه با سنجاق‌های اورارتو هستند؛ ولی از لحاظ طول، سنجاق‌های اورارتو بسیار کوتاه‌تر از سنجاق‌های لرستان‌اند. سنجاق‌های با سر بز کوهی در ایران، فلسطین، آسیای صغیر، اورارتو و یونان دیده شده‌اند و سنجاق‌های با سر رستنی‌ها و میوه‌ها در یونان، لرستان، آشور، قبرس و فلسطین کشف شده‌اند. از مصر و قفقاز هم سنجاق‌های با سر خشخاش هم‌زمان با نیمه اول هزاره اول دیده شده است که شبیه به سنجاق‌های لرستان است. سنجاق‌های با سر

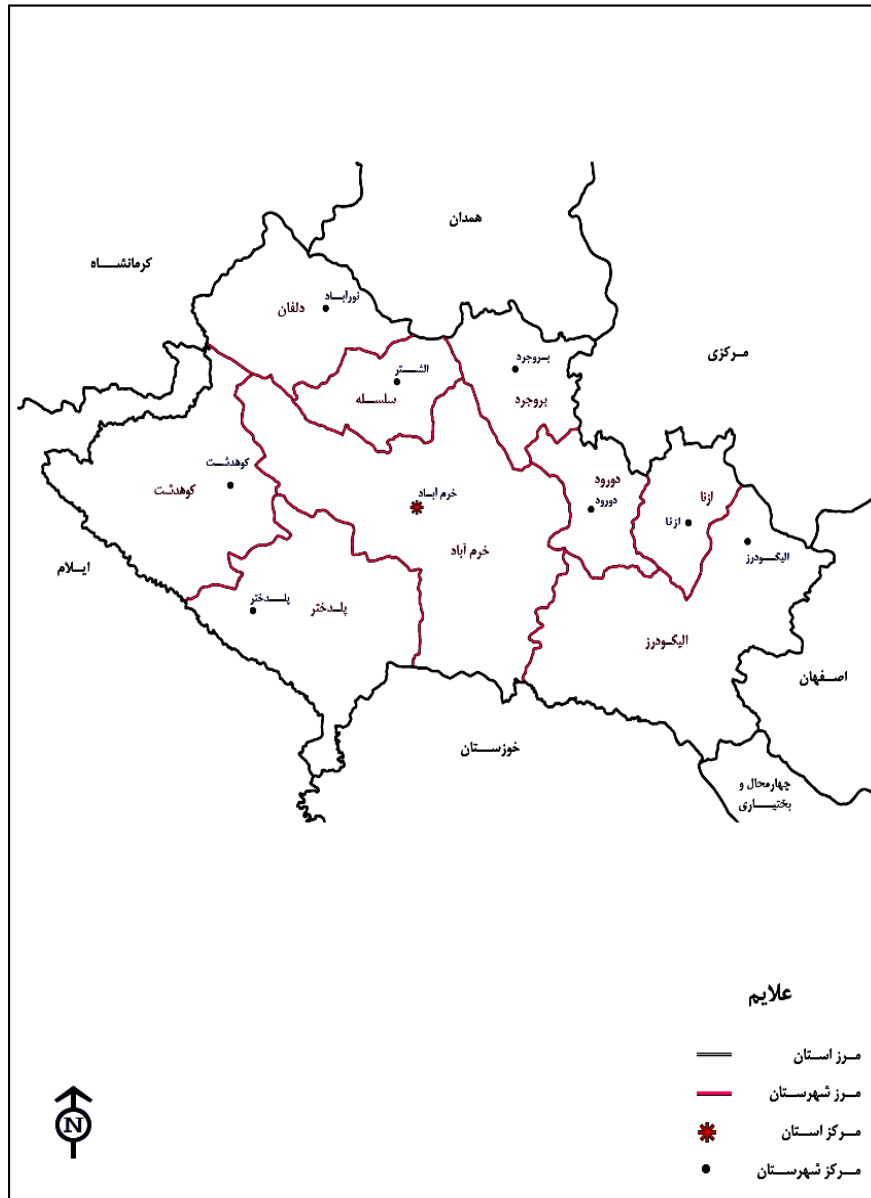
ساده نیز از میتانی، آناتولی و فریگیه به دست آمده که شبیه به هم هستند (Yilirim, 1989: 99-104). به طور کلی، نمونه‌های مشابه این سنجاق‌ها در خارج از ایران از مناطقی مانند میتانی، اورارتو، قفقاز، سوریه، مصر، یونان، ایتالیا، آشور، فلسطین و... به دست آمده‌اند که نشان‌دهنده روابط فرهنگی آنهاست؛ اما معمولاً از لحاظ نقش و نوع ساخت تفاوت‌هایی با هم دارند (شکل ۱۳).

تاریخ‌گذاری

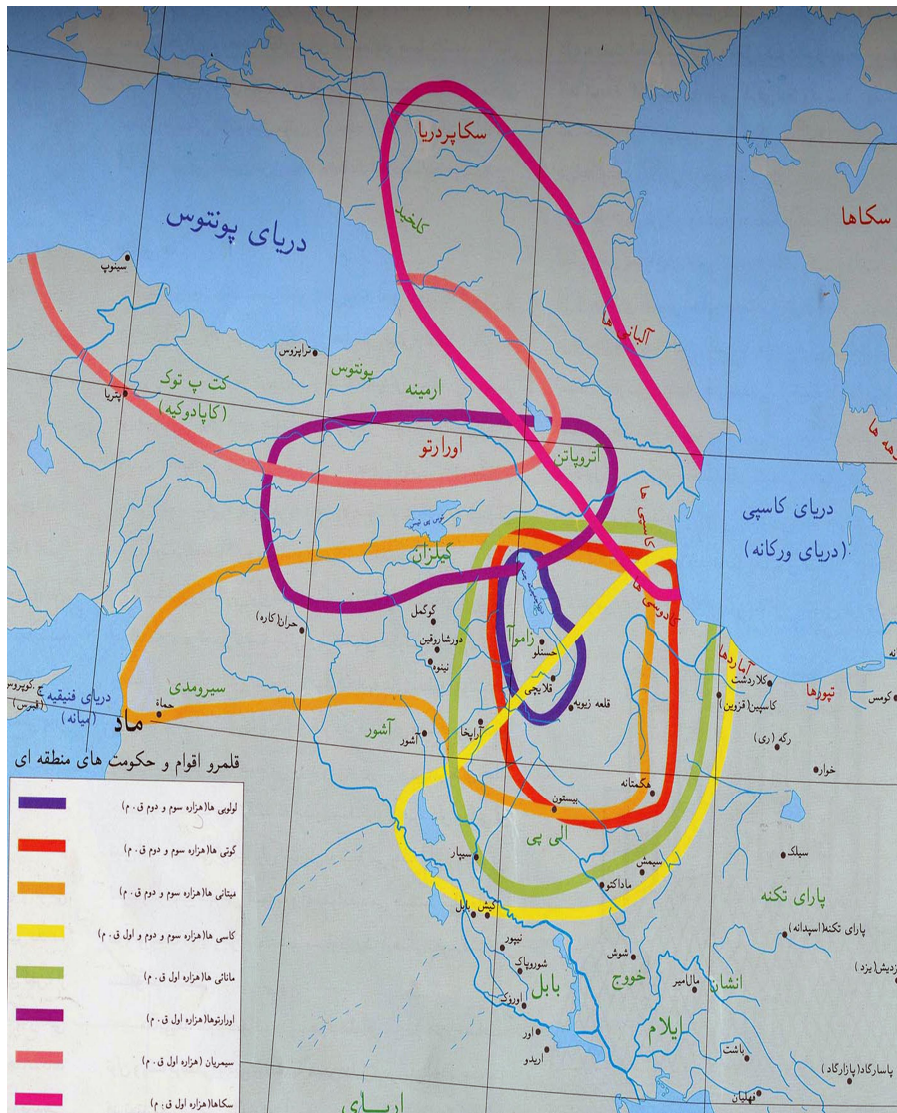
قدیمی‌ترین سنجاق‌های به دست آمده از خاورمیانه مربوط به قبرستان سلطنتی اور است که در کنار دیگر اشیاء برنزی پیدا شده و به روش ریخته‌گری ساخته شده‌اند (Moory, 1971: 207). به نظر می‌رسد ساخت سنجاق‌های بسیار ساده از هزاره سوم ق. م آغاز شده و در هزاره دوم و اول ق. م انواع پیشرفته‌تری به آنها افزوده شده است. تاریخ‌گذاری منطقی برای سنجاق‌های ساده لرستان، باید بر اساس نمونه‌های دیگر سرزمین‌های همجوار مانند میتانی، اورارتو و به‌ویژه ایلام و حکومت‌های هم‌زمان در بین‌النهرین انجام گیرد؛ اگرچه دانشمندان و صاحب‌نظران تاریخ‌گذاری‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند که معمولاً بین هزاره سوم تا هزاره اول ق. م است (گدار، ۱۳۷۵: ۲۱۱-۲۱۵؛ واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۹۲؛ کالمایر، ۱۳۷۶؛ گیرشمن، ۱۳۴۶؛ کورتیس، ۱۳۸۷: ۵۸؛ کبیری، ۱۳۵۶؛ علایی، ۱۳۷۵: ۱۴). البته، با توجه به نقش سرسنجاق‌ها که مهم‌ترین وسیله برای تاریخ‌گذاری این اشیاء هستند، می‌توان با مقایسه این نقش‌ها با نقش‌های سرسنجاق‌های سرزمین‌های ایلام، آشور، اورارتو و میتانی، تاریخی معادل ۱۳۰۰ ق. م را آغاز ساخت این اشیاء دانست. ولی به نظر می‌رسد تولید آنها تا اواخر عصر آهن سه یعنی تا حدود سال ۶۰۰ ق. م نیز ادامه داشته است. به طور کلی، بیشتر این گروه از سنجاق‌های لرستان در عصر آهن دو و سه ساخته شده‌اند. به طور محدود نیز در برخی از محوطه‌های باستانی در لایه‌های عصر آهن قدیم سنجاق کشف شده و شاید ساخت آنها تا دوره ماد ادامه داشته است.

نتیجه‌گیری

سنجاق‌ها از یافته‌های فرهنگی کشف‌شده از محوطه‌های باستانی هستند که در بسیاری از محوطه‌های عصر آهن به‌دست آمده‌اند و دارای شکل‌ها، نقش‌ها و کارکردهای مختلفی هستند. بر اساس مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناختی در نواحی مختلف لرستان، می‌توان به این نتیجه رسید که ساخت و تولید برخی از آثار مفرغی لرستان در عصر آهن به‌صورت مرتب تداوم داشته است که از آن جمله می‌توان به سنجاق‌ها اشاره کرد. امروزه، بر اساس آزمایش‌ها مشخص شده است که بسیاری از آن‌ها به عصر آهن متعلق‌اند و بخش بسیاری از این اشیاء از قبرهای عصر آهن و یا گاه از معبد‌ها (مانند معبد سرخ‌دم) به‌دست آمده‌اند. احتمالاً بیشترین استفاده‌کنندگان از این سنجاق‌ها زنان و دختران بوده‌اند. به‌نظر می‌رسد این نمونه سنجاق‌ها کم‌کم جای سنجاق‌های دیسکی‌شکل را گرفته‌اند و در ایران از عصر آهن رایج بوده و احتمالاً تا پایان این دوره ادامه داشته‌اند؛ ولی از این زمان به بعد، کم‌کم از رواج افتادند و سنجاق‌های قفلی - که از قرن هشتم ق. م رواج یافته بودند - جای آن‌ها را گرفتند. هرچند سنجاق‌های لرستان متنوع‌تر و بیشتر از سنجاق‌های مناطق دیگر هستند، اغلب از لحاظ تاریخ‌گذاری و تزیینات شبیه به هم هستند. عده‌ای از باستان‌شناسان در مورد این اشیاء و ظروف عقیده دارند که تعدادی از آن‌ها از سرزمین‌های دیگر به‌عنوان غنیمت یا شاید هدیه و باج به لرستان آورده شده است؛ اما آنچه مسلم است، این است که بهترین نمونه‌های مفرغ‌های لرستان که اکثریت آن‌ها را نیز تشکیل می‌دهند، در قرن‌های مختلف و به‌ویژه در عصر آهن و در مناطق پشتکوه و پیشکوه ساخته شده‌اند. به هر حال، هرگز نمی‌توان تأثیر و تأثر هنر در بین اقوام و فرهنگ‌های مختلف را انکار کرد. به‌نظر می‌رسد سازندگان هنرمند این اشیاء نیز مانند همه هنرمندان مناطق مختلف، تحت تأثیر هنر همسایگان زمان خویش بوده‌اند.



شکل ۱ موقعیت و شهرهای استان لرستان

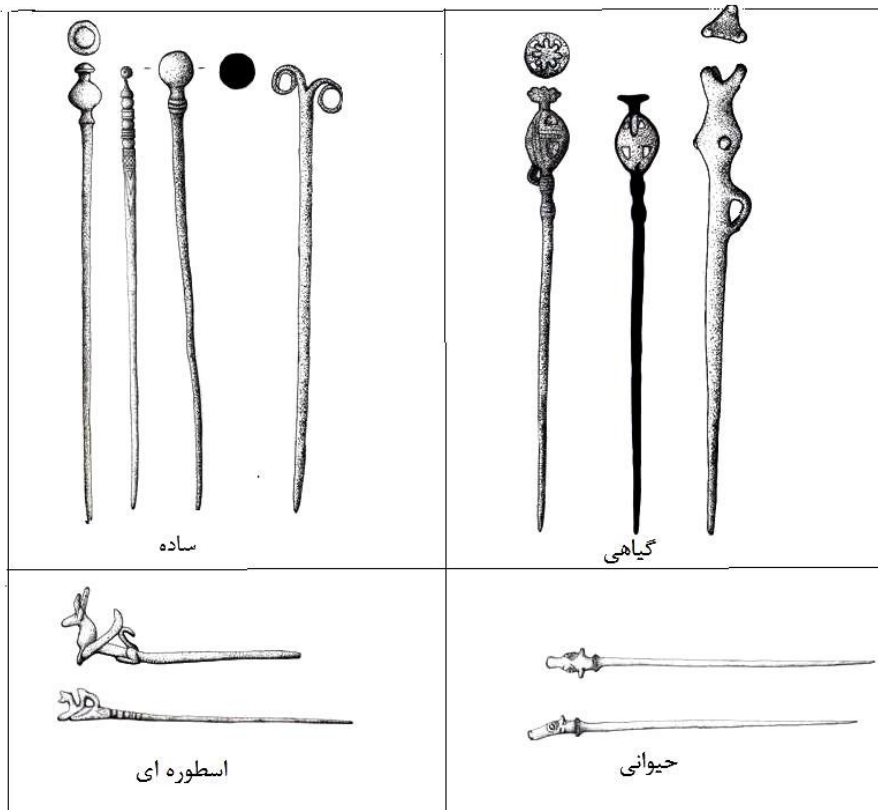


شکل ۲ اقوام غرب ایران در هزاره‌های سوم تا اول

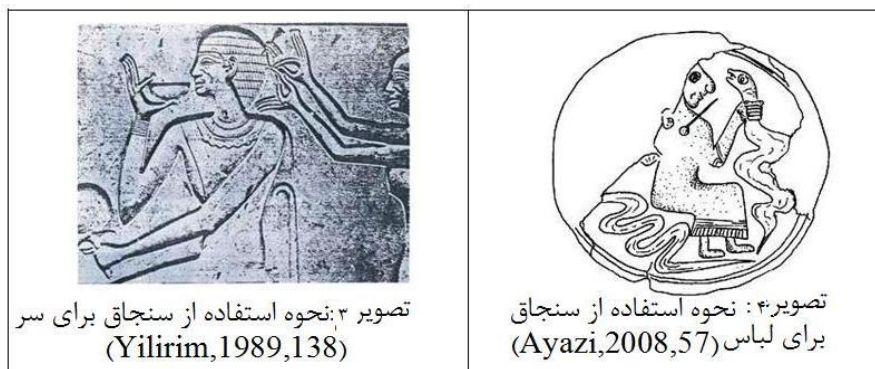
(زرین کوب و دیگران، ۱۳۷۸: نقشه ۲۵)



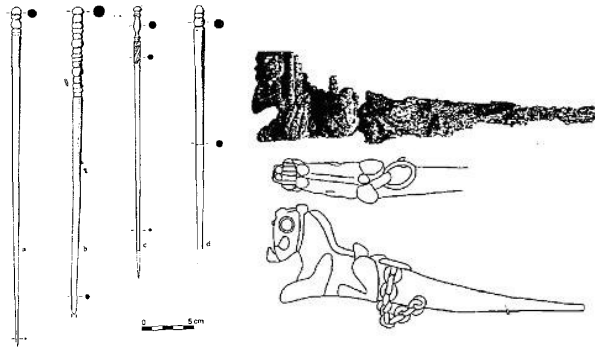
شکل ۳ نمونه سنجاق‌ها



شکل ۴ نمونه‌های چهارگانه از سنجاق‌ها

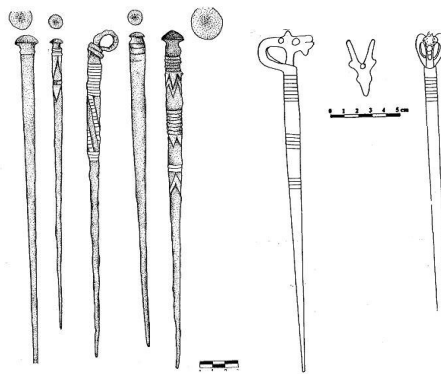


شکل‌های ۵ و ۶ نحوه استفاده و کاربرد سنجاق‌ها



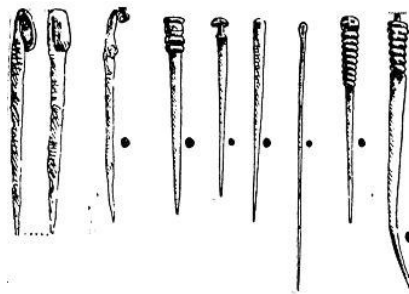
شکل ۷ نمونه سنجا‌های داخلی ایران: سنجا‌های میله‌ای حسنلوی چهار

(دایسون، ۱۳۸۷: ۳۱)



شکل ۸ نمونه سنجا‌های داخلی ایران: سنجا‌های میله‌ای مسجد کبود

(کتعانی، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۶۴)



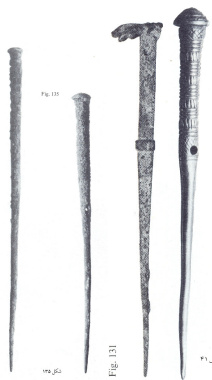
شکل ۹ نمونه سنجا‌های داخلی ایران: سنجا‌های میله‌ای قبرستان سیلک

(بداللهی، ۱۳۷۶: ۱۸۴)



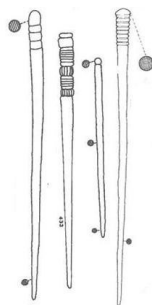
شکل ۱۰ نمونه سنجاق‌های داخلی ایران: سنجاق‌های طلایی مارلیک

(نگهبان، ۱۳۴۱)



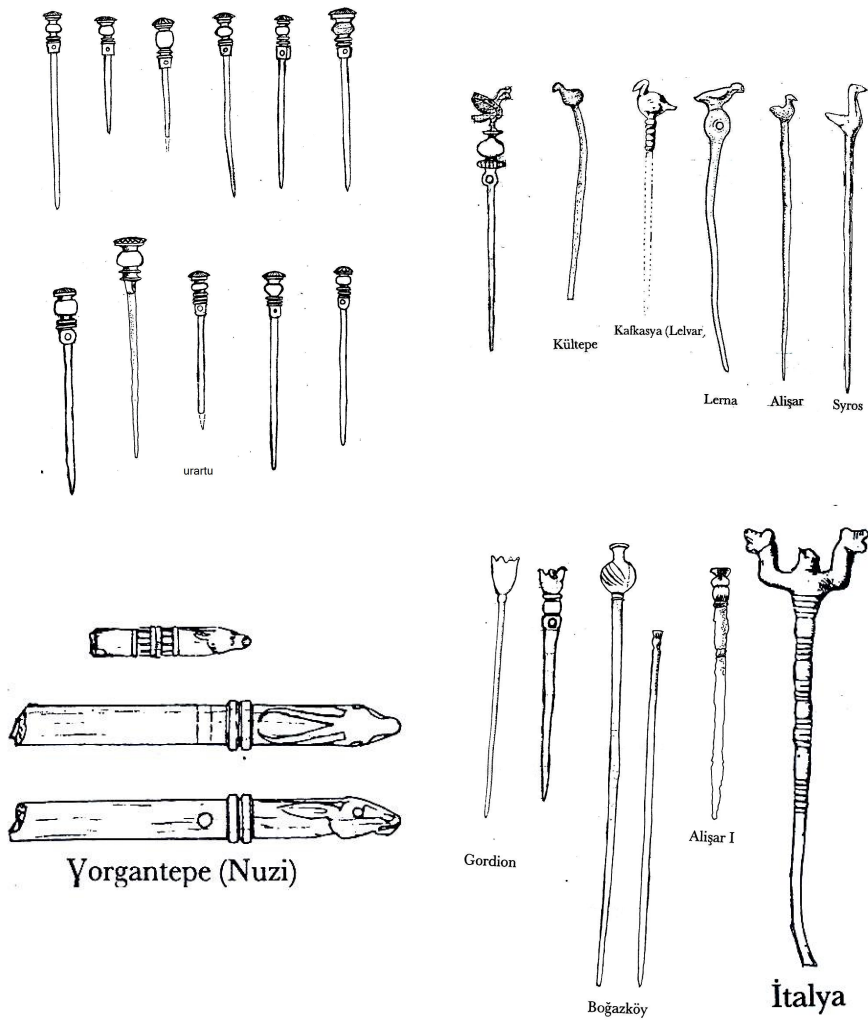
شکل ۱۱ نمونه سنجاق‌های داخلی ایران: سنجاق‌های شمال ایران

(همان‌جا)



شکل ۱۲ نمونه سنجاق‌های داخلی ایران: سنجاق‌های میله‌ای دینخواه تپه

(ماسکارلا، ۱۳۸۸: ۱۲۴ و ۱۴۱)



شکل ۱۳ سنجاق‌های میله‌ای به‌دست آمده از خارج ایران

(Yilirim, 1989)

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه یکی از نگارندگان (موسی سبزی) است.

2. Stine

3. Herzfeld

منابع

- ایزدپناه، حمید (۱۳۷۶). *آثار باستانی و تاریخی استان لرستان*. ج ۱. چ ۳. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بیرانوندی، حسین (۱۳۸۷). *لرستان در دوران باستان* (از آغاز تا اسلام). انتشارات شاپورخواست.
- پرادا، ادیت (۱۳۸۳). *هنر ایران باستان*. ترجمه یوسف مجیدزاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حیدری، نرجس و مجتبی صفری (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی و تحلیلی بر کاربرد سنجاق‌های میله‌ای و قفلی». *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*. س ۱. ش ۱.
- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۷۱). *کاوش در کلورز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- دادور، ابوالقاسم و نصرت‌الملوک مصباح اردکانی (۱۳۸۶). «بررسی نظریات مطرح پیرامون منشأ مفرغ‌های لرستان». *مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. ۲۵. ش ۴۸.
- زرین‌کوب و دیگران (۱۳۸۷). *اطلس تاریخ ایران*. تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.
- علایی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). *معرفی مجموعه‌های هنری: اشیاء مفرغی لرستان*. خرم‌آباد: پیغام.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۵۵). *جهان فروری، بخشی از فرهنگ ایران کهن*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- کالمایر، پتر (۱۳۷۶). *مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه*. ترجمه محمد عاصمی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- کبیری، احمد (۱۳۵۶). *هیئت بررسی و شناسایی شهرستان خرم‌آباد و حومه*. اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی.
- کورتیس، جان (۱۳۸۷). *ایران باستان به روایت موزه بریتانیا*. ترجمه آذر بصیر. تهران: امیرکبیر.
- گدار، آندره (۱۳۷۷). *هنر ایران*. ترجمه بهروز حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گدار، آندره و دیگران (۱۳۷۵). *آثار ایران*. ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم. ج ۱ و ۲. چ ۳. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- گیرشمن، رمان (۱۳۸۱). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. چ ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۴۶). *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*. ترجمه عیسی بهنام. تهران: علمی و فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۷). «تاریخ‌گذاری سرسنجاق‌های مفرغی لرستان». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. س ۳. ش ۱.
- موری، پی. آر. اس. (۱۳۷۹). *زیرخاکی‌های مفرغی قدیم ایران*. ترجمه علی داراب‌بیگی. انتشارات کرمانشاه.
- معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی، سازمان برنامه و بودجه استان لرستان، جایگاه استان لرستان در کل کشور (۱۳۷۳).
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۵۶). *مارلیک*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نوروززاده چگینی، ناصر (۱۳۷۲). «هیئت هولمز نخستین فعالیت‌های باستان‌شناسی در لرستان». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. س ۷. ش ۱۳ و ۱۴.

سنجاق‌های میله‌ای لرستان _____ علیرضا هژبری نوبری و همکار

- هژبری نوبری، علیرضا (۱۳۷۹). *گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش در محوطه باستانی مسجد کبود تبریز*. سازمان میراث فرهنگی کشور و مرکز تحقیقات باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- هژبری نوبری، علیرضا، فرهنگ خادمی و موسی سبزی (۱۳۸۹). «بررسی و مقایسه سنجاق‌های فلزی مناطق لرستان و شمال ایران از دیدگاه باستان‌شناسی» در *همایش ملی چشم‌انداز باستان‌شناسی شمال کشور در دهه آینده*. ج ۱.
- هول، فرانک (۱۳۵۲). *دوره پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران لرستان*. ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند. چاپ دانش خرم‌آباد.
- واندنبرگ، لویی (۱۳۷۹). *باستان‌شناسی ایران باستان*. ترجمه عیسی بهنام. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- یداللهی، سیما (۱۳۷۶). *شناخت و تحلیل مقایسه‌ای زیورالات فلزی عصر آهن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- Ayazi, S. (2008). *Disc-Headed Bronze Pins From Luristan*. Berlin.
- Burney, C. A. (1972). "Excavation at Haftvan 1969:2nd preliminary report". Iran. No. 10.
- Conteanau, G. & R. Ghirshman (1935). *fouilles de TEPE giyan, pres de nehavand libraire orientaliste Paul geuthner*. Paris.
- Cooper, J. C. (1968). *Illustrated Encyclopedia of Traditional Symbols*. Thames and Hudson. London.
- Dyson, R. & Mary M. Voigt (1989). *Expedition East of Assyria. The highland settlement of Hasanlu*.

- Dyson, R. (1964). "Notes on Weapon and Chronology in Northern Iran Around 1000 B. C." in *Nederlands Historich-Archaeologisch Institute*. Ed. M. J. Melink. Istanbul.
- Ghrihmana, R. (1939). *fouilles de Sialk pres de Kashan*. Vol. I.
- Herzfeld, E. (1976). *Iran in Ancient East*. Reprint Edition. Oxford University Press.
- Lippert, A. (1979). "Excavation at Kordlar Tepe". AMI band 12.
- Moory, P. R. S. (1971). *Catalogue Of The Ancient Persian Bronzes in the Ashmolean Museum*.
- Muscarella (1974). *The Iron Age at Dinkha Tepe*. Iran, MMY. Vol. 9.
- Porada, E. (1964). *Nomads and Luristan Boronz, Dark Ages and Nomads, C. 1000 B. C*. Ed. M. J. Melink. Nederlands Historich-Archaeologisch Institute, Istanbul.
- Scheaeffer (1948). *Stratigraphe Comparee ET Chronologie de Asie Occidentale*. London: Oxford University Press.
- Schmidt, E. F., N. M. Van Loon & H. H. Curvers (1989). *The Holmes Expedition to Iuristan*. The Oriental Institute of The University of Chicago Publication. Vol. 108. by the University of Chicago.
- Stine (1940). *old routs in western Iran*. press New York.
- Yildirim, R. (1989). *Urartu Igneleri*.